

بسم الله الرحمن الرحيم

درانتظار

شیرین علیرضا نورانی



انتشارات ابصار

سرشناسه	نورانی، علیرضا، ۱۳۲۸ - ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور	در انتظار او / نگارش علیرضا نورانی.
مشخصات نشر	تهران: ابصار، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۵۲: ص.
شابک	978-600-6178-10-3
وضعیت فهرست‌نویسی	فبا
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --- غیبت
موضوع	مهدویت
موضوع	فتن و ملاحم
رده‌بندی تک‌نگار	۱۳۹۱ د ۹ ن ۵ / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابخانه ملی	۲۸۱۴۵۳۲



انتشارات ابصار

در انتظار او

نگارش: شهید علیرضا نورانی

ویرایش: محمدمهدی عقابی

نوبت چاپ: یکم - ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۷۸-۱۰-۳

قطع: رقعی / ۵۲ صفحه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

نشانی: تهران - صندوق پستی ۵۹۹۶-۱۴۱۵۵

رایانامه: ABSAR.PUB@Gmail.com

تلفکس: ۸۸۰۱۰۵۰۱

فهرست

۷		اشاره
۹		مقدمه
۱۴		درد
۲۱		نوید
۲۸		غیبت
۳۵		وظیفه
۴۰		هدف

اشاره

علیرضا نورلی در تابستان ۱۳۲۸ در خانواده‌ای مذهبی و کم‌درآمد در شهرستان لنگرود متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در همان شهر به پایان رساند. نبوغ سرشار و هوش فوق‌العاده‌اش از همان دوران کودکی آشکار بود. به طوری که در کلاس ششم ابتدایی، در سطح استان گیلان، رتبه اول را کسب کرد. دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم ریاضی در همین شهر به اتمام رسانید. پس از طی دوره سربازی، با شرکت در کنکور سراسری، در رشته مهندسی معماری دانشگاه علم و صنعت تهران پذیرفته شد. او در سال ۱۳۵۰ ازدواج کرد. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، چند سالی در شرکت‌های خصوصی مشغول به کار بود. در اواخر حکومت رژیم منحوس پهلوی، به خدمت آموزش و پرورش درآمد و در انستیتو حرّی تهران تدریس کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معاون مجتمع تکنولوژی انقلاب شد. در اواخر سال ۱۳۵۹، بنا به درخواست دوستان و احساس مسئولیت شرعی به گیلان بازگشت. به سبب توانایی‌های بسیار وی، در مدت کوتاهی مسئولیت‌های فراوانی از جمله ریاست دفتر فنی استان، ریاست شهرک گلزار و معاونت

این نیاز، یک واقعیت تردیدناپذیر است؛ چراکه آن همه، نیاز به آب و نان و هوا و پدر و مادر و پزشک و معلم، همه نیاز تن است؛ اما نیاز به حجت الله، ضرورتی است برای احیای روحی و بهسازی معنوی انسان. و این انسان است که پس از رفع تمام نیازهای مادی، در معرض نخستین و مهم ترین پرسش ها قرار می گیرد: «چه باید کرد؟ به کدام سو باید رفت؟ با کدام ابزار؟ چگونه؟ و به راهنمایی کدامین راهنما؟». از این رو، خدایی که آن همه نعمت مادی داده، هیچ یک را به رُخ بشر نمی کشد؛ اما آنگاه که رسولی برای هدایت بشر می فرستد، می فرماید:

«لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا...»^۱

هم از این رو- با تأکید به انسان هشدار می دهد که به قطع و حتم و یقین بدان که در روز جزا، از تو می پرسند که با «نعیم» چگونه رفتار کردی؟^۲ و معصومان قرآن شناس توضیح می دهند که مراد از نعیم در آیه، ولایت اهل بیت (علیهم السلام) است.^۳



این نیاز را باید لمس کرد، با تمام وجود یافت، برای رسیدن به آن کوشید؛ بیش از آنچه برای تأمین نیازهای مادی می کوشند و می دوند...؛ اما این تلاش و کوشش، مقدمه ای بسیار مهم و اساسی دارد: احساس نیاز معنوی به راه هدایت و نجات و سعادت جاودانه

۲- نکات: ۸

۱- آل عمران: ۱۶۴

۳- تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه ۴۴۰؛ اصول کافی، طبع اسلامی، جلد ۶، ص ۲۸۰.

آنچه انسان را به تلاش در عرصه برآوردن نیازهای مادی می‌کشاند، احساس ضرورت و نیاز به آن‌هاست. دریغ‌اکه این احساس ضرورت در مورد نیازهای معنوی - با تمام اهمیتی که دارند - در غوغای زندگی مادی گم می‌شود و در بوته غفلت جای می‌گیرد.

بخت گام برای مبارزه با این غفلت، شناساندن امام معصوم و حجت حقی خدا در این زمان؛ حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - است، به عنوان جانشین بحق و آئینه تمام‌نمای پیامبر رحمت ﷺ، که در طول سال‌های دشوار غیبت، همچون خورشیدی تابان، از ورای ابر، نور و گرمای خود را به اهل ایمان رسانده است؛ خورشیدی که نه تنها گل، بلکه خار نیز از آن بهره می‌برد...

شناساندن این حجت‌های معصوم الهی، به یاد آوردن نیاز انسان‌ها به این بزرگ‌مردان پاک‌نهاد آسمانیست. این است که امام صادق (علیه السلام) در بیانی گویا فرموده‌اند:

«خیر الناس من بعدنا من ذاکرنا و دعا الی ذکرنا»^۱



این وظیفه، در زمان غیبت امام مهدی، عجل الله تعالی فرجه، ضرورتی مضاعف می‌یابد؛ چراکه در طول دوران غیبت تلاش شیطان و یارانش برای محو نام و یاد حضرتش شدت بیشتری می‌گیرد. در این زمان دشوار، ندیدن ظاهری امام معصوم، بهانه‌ای به دست منکران می‌دهد تا جان‌مایه حیات را - که «همچون بوی گل از

دیده‌ها نهان است»^۱ نادیده گیرند و انکار کنند.

از این رو، امامان معصوم علیهم‌السلام بر ضرورت دعوت مردم به حضرت بقیت‌الله ارواحنا فداه در زمان غیبت، تأکیدهای فراوان کرده‌اند. تا آنجا که دانشمند دل‌سوخته وادی انتظار، آیت‌الله میرزا محمد تقی اصفهانی، در باب هشتم کتاب مکیال‌المکارم، چندین عنوان به این امر اختصاص می‌دهد؛ مانند این عناوین:

- به دست آوردن شناخت صفات و آداب حضرتش؛

- محبت کردن او در میان مردم؛

- ذکر مناقب و فضائل آن حضرت؛

- تشکیل مجالس برای ذکر فضائل و مناقب آن حضرت؛

- سرودن و خواندن شعر در ذکر فضائل آن حضرت؛

- دعوت مردم به آن حضرت.^۲



یکی از شیوه‌ها برای ادای این وظایف نگارش کتاب در این مسیر است که بی‌تردید در گسترش «فرهنگ مهدوی» در سطح جامعه، نقش و جایگاه ویژه دارد.

و این کتاب، نوشتاری ست از شهیدی مخلص که عمری را با شیفستگی در وادی معرفت و انتظار امام زمانش به سر آورد، ایمان و

۱- برگرفته از شعر مهدوی مشهور سیدعلی موسوی گرمارودی:

بازای ای چو بوی گلی از دیده‌ها نهان کز رنج انتظار تو، پشت فلک خمید

۲- رجوع شود به کتاب مکیال‌المکارم، جلد دوم، باب هشتم، که به بحث وظایف مردم در قبال به امام عصر علیه‌السلام اختصاص دارد.

عقیده به حضرتش را با بصیرت و استدلال و آگاهی به دست آورد، و همین بصیرت و یقین را با زبان و قلم به دیگران انتقال داد.

مهندس علیرضا نورانی، در حدود سالهای ۱۳۵۰، در پی احساس ضرورتی فرهنگی - دینی، در شدت تراکم کارها، قلم به دست گرفت. موانعی همچون تحصیل دانشگاه، اشتغال، اداره امور خانواده، و فعالیت‌های تبلیغی و دینی در موقعیت آن روزگار را نادیده انگاشت و این نوشتار را پدید آورد.

با این‌که آن شهید سعید، نویسنده به معنای حرفه‌ای نبود، تازگی مطالب، قوت استدلال، آگاهی از مسائل جهان، شیوایی و روانی بیان، استناد درون‌مایه رساله به منابع معتبر شیعی و دیگر عواملی که به این نوشتار قوت می‌بخشید، ما را بر آن داشت که این یادگار ارزنده آن شهید سعید را - با مختصری ویرایش - برای نخستین بار عرضه کنیم.



از خدای قادر می‌خواهیم که روح بلند آن شهید را در درجات فردوس در جوار موالی معصومش علیه السلام جای دهد، و در هنگام ظهور و رجعت امام زمانش عجل الله تعالی فرجه، او را از یاران و محاهدان در رکاب حضرتش قرار دهد، و این جمله از دعای عهد را - که شهید ما، پیوسته بر خواندن آن مداومت داشت - در حق او مستجاب کند:

«اللهم ان جال بینی و بینة الموت الذی جعلته علی عبادک
حتماً مقضیاً، فأخرجنی من قبری، مؤتراً کفنی، شاهراً
سیفی، مجرداً قناتی، ملیّاً دعوة الداعی فی الحاضر و

البادی...».

درد

به عقیده فلاسفه و جامعه‌شناسان، انسان، موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند به تنهایی همهٔ احتیاجات خویش را برآورد و زندگی کند. تنوع و تعدد نیازهای او، نداشتن استعداد کافی توانایی و امکان نیافتن هر فرد برای انجام همهٔ کارهای زندگی و دست نیافتن بر رفع تمام نیازها، ایجاب می‌کند که افراد بشر دور هم جمع شوند و به صورت گروهی و اجتماعی زندگی کنند. به این ترتیب، هر کس در خور توانایی و استعداد و امکان خود، نیروی خویش را در جهتی متمرکز می‌کند و کاری انجام می‌دهد. اما با جمع شدن افراد و تشکیل جامعه، اختلافات فکری و سلیقه‌ای و تفاوت در منافع شخصی - بر اثر حب ذات و برتری جویی - در بین افراد جامعه رخ می‌نماید؛ به طوری که حتی به ندرت دو نفر را می‌توان هم فکر و هم رأی یافت که نظری واحد در مسائل فردی و اجتماعی داشته باشند.

این نظر، مقبول دانشمندان است و در مواردی شاهد افرار و اعتراف صریح آن‌ها هستیم. دانشمندی غربی، در اعتراف به این حقیقت می‌گوید:

«در نوع انسان، بین فرد و جامعه پیوسته نزع و کشمکشی